

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کلارا زتکین
برگردان: توفان آراز
۰۵ اگست ۲۰۲۲



خطوط سمت ده به جنبش کمونیستی زن

پیوست: درک زتکین از قضیه زن

(۳)

۷. با نظر به پدیده ها و روابط اجتماعی مزبور کنگره ۲ انترناسیونال کمونیستی در مسکو کلیه زنان متعلق به توده زحمتکش را که خواهان آزادی و ارزش انسانی کامل اند، به همبستگی با احزاب کمونیست در کشورهای خود و از این طریق با انترناسیونال کمونیستی که این احزاب را برای عملیات مصممانه متحد ساخته است، فرامی خواند. انترناسیونال کمونیستی که هدف مند، با اطمینان خاطر و پرتوان در جهت پیروزی بر سرمایه داری و استقرار کمونیسم از طریق انقلاب جهانی می رزد، همچنین روشن بین ترین و وفادارترین سخنگوی حقوق زنان نیز می باشد. آن در مرحله تاریخی متکاملی در خصوص منافع زن اقدامی را می نماید، که انترناسیونال دوم^[۷] آن را آغازیده بود، بدون این که پیگیرانه عملی اش سازد، زیرا آن در اثر رفرمیسم اپورتونیستی [فرصت طلبانه] در جنبش کارگری از تبدیل گشتن از صورت یک سازمان اعلامی به یک سازمان عملی سرباز زد، و در اگست ۱۹۱۴ خیانت کار گردید.^[۸] انترناسیونال دوم نیز به حقوق و منافع زنان ارج می گذارد، ولیکن آن پرولتارهای کلیه کشورهای دنیا را به مبارزه مشترک، انقلابی در جهان به ضد سرمایه داری امپریالیستی، به ضد نظام سرمایه داری فرانمی

خواند، اما بالعکس عقد برادری بین استثماریگران و استثماری شدگان و برادرکشی و خودکشی طبقه کارگر را در ارتش های دنیا، که امپریالیسم به خاطر سوداندوزی سرمایه داری، طمع سرمایه داری به قدرت جهانی ایجاد نموده بود، موعظه می کرد.

انترناسیونال دوم در زمان پایه گذاری اش همچنین مبارزه در راه تساوی و آزادی اجتماعی کامل زن را بر بیرقش نوشت. انترناسیونال بلامنازع اقدامات باارزشی از طریق تبلیغ این مطالبات و ترویج آن در دوایر وسیعی با اثبات این که نابودی سرمایه-داری و تحقق سوسیالیسم شرط عملی شدن چنین مطالباتی است؛ با توضیح تضاد طبقاتی سازش ناپذیر بین اقلیتی از زنان استثماری شده و همبستگی ملی و بین المللی بردگان مزدی سرمایه داری بی تفاوت به جنس نموده است. انترناسیونال سازمان های صنفی و احزاب سوسیالیستی را ملزم به فراخواندن زنان به منزله اعضای متساوی- الحقوق و شرکت جویندگان در مبارزه طبقاتی اقتصادی و سیاسی پرولتاریا به صفوف خود ساخته بود. انترناسیونال مرزبندی روشنی بین جنبش سوسیالیستی زن با جنبش بورژوائی را مطالبه می نمود. ولیکن انترناسیونال دوم اجرای کمی این وظایف، تحقق کمی این مطالباتی را که موضوعات کار و پیکار بودند، به سازمان های صنفی و احزاب سوسیالیستی در کشورها محول نمود. به طور کلی تصمیمات آن تا جایی که به منافع زنان مربوط می گردد، تنها به آن حدی که به اجراء درآمد، که زنان سوسیالیست سازمان یافته در کشورهای خود بر سازمان ها تحمیل کردند.

شکاف بین تئوری و پراتیک، بین تصمیم و عمل به ویژه در مشی آن درقبال مطالبات درمورد حقوق زنان صریحاً مشهود است. انترناسیونال دوم توافق سالیان سازمانهای عضوش در انگلستان با حق رأی محدود بانوان***، که در صورت عملی شدن قادر به تقویت سیاسی خلع ید کنندگان و همزمان تقویت مقاومت علیه حق رأی عمومی برای کلیه بالغین می بود، را تحمل نمود. انترناسیونال ناظری ساکت بر امتناع حزب سوسیال دموکرات در بلجیم و متعاقباً در اتریش از مطالبه حق رأی عمومی توأمأً برای زنان در جریان مبارزات انتخاباتی وسیع شان بود. البته کنگره انترناسیونال دوم در اشتوتگارت**** احزاب سوسیال دموکرات در کلیه کشورها را موظف به آغاز مبارزه برای حق رأی عمومی زنان و عملی نمودنش به صورت جزئی مهم و لاینفک از مبارزه مشترک پرولتاریا در راه حق رأی و قدرت با مرزبندی شدید با تلاش های زنان پی رو قضیه بورژوائی زن - سوسیال دموکرات و سیاست رفرمیستی - اپورتونیستی نموده بود. ولی حتی این تصمیم در بسیاری از ممالک بر روی کاغذ باقی ماند، و خصوصاً آن قادر به پیشگیری از اکتفاء حزب متحد سوسیالیست فرانسه به پیشنهادات پلاتونیستی[افلاطونی]، پارلمانتاریستی مبنی بر اجراء شدن حق رأی زنان، و از عقب ماندگی پیشنهادات حزب کار سوسیال دموکرات بلجیم درزمینه حق رأی عمومی زنان، بلی حتی عقب مانده تر از مطالبه کشیشان در این مورد نگردید.

موضع انترناسیونال دوم نه تنها ضعیف، بلکه همچنین رسوائی برانگیز و زبونانه بود، به این علت که زنان سوسیالیست در ممالک شرکت کننده در جنگ و ممالک بی طرف، نخستین زنان در جنبش کارگری سراسر جهان، در مقابل سوسیالیست های میهن پرست خائن در عرصه ملی و مطالبه شان مبنی بر همبستگی بین المللی استثماری شدگان در پیشرفت بودند. همبستگی که می

بایست از طریق عملیات توده ئی انقلابی و از طریق گشایش عرصه تاریخی مبارزات انقلابی بین المللی کارگران و تصرف قدرت سیاسی، دول امپریالیستی و سرمایه داری را مجبور به صلح کند و به زانو درآورد. حال آن که انترناسیونال دوم به عوض حمایت از این پیشرفت با آرامش خاطر تماشاگر انحطاط سازمان و تاکتیک و سپس ورشکستگی احزاب عضوش در هر کشوری به اتفاق "حزب نمونه" شد. حزب سوسیال دموکرات المان به عنوان مثال به اعمال توهین به پیشرفت زنان پرداخته، به آن خیانت ورزید و در تلاش متوقف ساختن آن از هر نظر برآمد. آن حتی امروز نیز در جهت تقویت قدرت استثمار سرمایه داری و به این ترتیب در جهت اخلاص در آزادی کامل زن با خیانت به توده های پرولتاریا توسط شعبده دموکراسی، پارلمانتاریسم و سوسیال پاتریوتیسم فعال است.

انترناسیونال دوم ضمناً هرگز ارگانی نساخته است که بتواند وظیفه کار در جهت عملی نمودن خطوط اساسی و مطالبات زنان را عهده دار باشد. اتحادیه ابتدائی زنان سوسیالیست و پرولتاریا به جهت انجام عملیات متحد مستقلانه و خارج از محدوده سازمان های شان تشکیل یافت. البته به نمایندگان زنان اجازه ورود به کنگره انترناسیونال دوم داده شد، اما آنان از حق رأی رسمی محروم بودند، و در دبیرخانه بین المللی انترناسیونال سوسیالیستی زنان کرسی و حق انتخاب نداشتند. زنان کمونیست و زنان سوسیالیست انقلابی پیگیر و پرولتاریا بنابراین باید رابطه خود را با انترناسیونال دوم قطع نمایند و به انترناسیونال کمونیستی به پیوندند، که در عرصه مبارزه در راه حقوق و آزادی زنان نه صرفاً یک کارخانه لایحه سازی، بلکه مجمعی برای ایجاد عملیات است. بهترین و مؤثرترین اتحاد، که من تا کنون توضیح داده ام، عبارت از عضویت در آن حزبی در کشور مربوطه می باشد که وابسته به انترناسیونال کمونیستی است. زنان عضو احزاب و سازمان های که مبارزات شان در جهت پیوستن به انترناسیونال سوم هنوز به نتیجه نهائی نرسیده است، وظیفه طبیعی شان مصروف داشتن کامل انرژی خویش در راه این است که چنین سازمان ها و احزابی خطوط سمت ده اساسی، تاکتیکی و تشکیلاتی انترناسیونال کمونیستی را به رسمیت شناسند، به هر شکلی آن ها را بپذیرند. طبق ماهیت و مطالبات آن ها عمل نمایند. کمونیست های زن و زنان سوسیالیست انقلابی پیگیر و پرولتاریا باید به سازمان ها و احزابی پشت کنند که اصولاً به هدف برانگیختن مبارزه به ضد انترناسیونال کمونیستی فعال اند، و در مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه راه های حل آپورتونیستی - رفرمیستی اخلاص و آن را فلج می سازند. به کار انقلابی انترناسیونال سوم بپیوندید! این باید شعار اجتماعی، واحد، علنی کلیه زنان متعلق به توده زحمتکش باشد که بی تاب رهائی از بردگی طبقاتی و بردگی جنسی اند.

۸. کنگره دوم انترناسیونال کمونیستی کلیه احزاب وابسته را موظف می سازد که طبق خطوط سمت ده به کار برای جذب انبوه ترین توده زنان، برای بیدار ساختن، سازماندهی و آموزش شان بپردازند؛ کارشناسی و مبارزه آن ها در راه کمونیسم را تا سر حد امکان افزایش دهند؛ در حرف و در عمل به آنان اثبات کنند که تنها مبارزه طبقاتی پرولتاریا قادر به تضمین اهداف و همچنین متحقق ساختن حقوق کامل کلیه زنان، آزادسازی کامل و تحقق بخشیدن به ارزش انسانی کامل آن هاست. احزاب کمونیستی طبق این خطوط سمت ده باید پذیرا گردند:

الف: در کشورهایی که پرولتاریا هم اکنون قدرت دولتی را تصرف نموده و قدرت دولتی خویش را به شکل شوراهای برقرار کرده است - به عنوان نمونه در روسیه:

۱. آماده ساختن باشمول زنان برای تمام مبارزات و تدابیری که جهت تثبیت و تحکیم قدرت شوروی در جریان مبارزه با ضدانقلابیون داخلی و خارجی در جبهه و در درون سرزمین خود ضروری است؛ همان گونه که خدمات زنان به منزله شبه نظامیون، خواهران سرخ**** و مسؤلان در ارتش سرخ و غیره، ضمناً شرکت گسترده و معقولانه زنان در امر امحای کامل نه تنها جمیع بقایای اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری، بلکه همچنین اخلاق خودخواهانه نمونه آن نیز مطلقاً ضروری است.

۲. تنویر باحرارت و اساسی زنان درباره ضرورت تسریع زمان انتقالی دشوار از سرمایه داری که درحال ازهم پاشیدن است، به شکل اجتماعی عالی کمونیسم - زمان انتقالی که طی آن زنان و کودکان بیش از هر کس دیگری متحمل مصایب، زجرها و قربانی های اجتناب ناپذیرند.

۳. تنویر باحرارت و اساسی زنان پرولتار، زنان طبقه دهقان و کلیه زنان شاغل، زنان مولد درباره این که نظام اجتماعی نو و آزادی بخشی که با کمونیسم و با مبارزه علیه نیروهای متعلق به دنیای قدیم بورژوائی مانع تکامل پدید می آید، و درگیر با مسائلی تازه تکامل می یابد، به حدی گسترده همچنین باید نتیجه کار زنان، ثمره اراده هدفمند، تزلزل ناپذیرشان و عملکرد پیوسته اینارگرانه شان باشد.

۴. شرکت باشمول زنان شاغل در امر بنای اقتصاد با ارگان های شوروی، اتحادیه های صنفی و شرکت های کوپراتیو در کشاورزی و مؤسسات گوناگون آن ها.

۵. شرکت باشمول زنان در شوراهای ارگان های مختلف، مدیریت و سازندگی، و در هر زمینه دیگری، توأم علمی.

۶. ایجاد شرایط کار برای زنان شاغل که مناسب با خصوصیات ارگانیک زن و مطالبات فیزیکی و معنوی - اخلاقی از مادری بوده، آمیزش هماهنگ آن ها با اشتغال را امکان پذیر سازد - آمیزشی که شکوفائی کامل نیروها و ارزش های زنان و ارزش انسانی زنانه شان را میسر سازد.

۷. مستحیل ساختن خانه داری سنتی خانواده - که معرف عقب مانده ترین، ناهنجارترین و نارساترین شکل صنعت قدیم است - در کار اجتماعی عمومی، و تبدیل زن خانه دار از صورت یک برده ماده خانه داری منفرد به یک شاغل آزاد در اقتصاد اجتماعی بزرگ.

۸. برقراری مؤسسات اجتماعی نمونه عهده دار آن گونه وظایف اقتصادی که زنان تا کنون در خانواده عهده دار بوده اند، آن چه که منضم به خدمات مادری گشته، آن را تسهیل و کامل می سازد.

۹. برقراری مؤسسات اجتماعی نمونه برای حمایت از مادران، کودکان و جوانان.

۱۰. برقراری مؤسسات مشابه برای مراقبت از بیماران، ضعفاء و سالخوردگان ناتوان از کار؛ اتخاذ تدابیر اقتصادی و تربیتی به هدف ارجاع روسپیان، که میراث نظام اجتماعی بورژوائی هستند، از میان لومپن پرولتاریا^[۱۰] به جامعه توده کارگر.

۱۱. بازسازی سیستم تحصیلی براساس آموزش کار و تربیت و آموزش اشتراک، که تضمین گر حق تکامل فردی و برآورنده مطالبه تربیت برای همبستگی و از این طریق همچنین تضمین گر شرایط شکوفائی خصوصیات انسانی همه جانبه زن باشد.

۱۲. شرکت باشمول زنان در اتخاذ و اجرای تدابیر، در ایجاد، تشکیل و اداره مؤسساتی که موظف به مساعدت به زن خانه دار و در خدمت امور اجتماعی، به ویژه مراقبت از زنان، کودکان و جوانان باشند.

ب: در کلیه کشورهای که پرولتاریا هنوز درجهت تصرف قدرت سیاسی مبارزه می کند:

۱. جذب زنان به حزب کمونیست و به سازمان های طبقاتی صنفی مبارز پرولتاریا با حقوق و وظایف برابر با مردان؛ جذب شان به کلیه ارگان ها و سلسله مراتب حزبی، به اتحادیه های صنفی و به سازمان های کوپراتیو با حقوق و وظایف برابر با مردان.

۲. تنویر انبوه ترین توده زنان پرولتاریا و خُرده بورژوازی درباره کمونیسم و درباره ماهیت، اهداف، متدها و امور عملیات و مبارزات انقلابی؛ درباره شرکت انبوه ترین توده زنان در مجموع این عملیات و مبارزات که خود عامل تعلیم و تربیت، تعلیم فکری کاملاً فعال، عملی است؛ درباره پذیرش جمیع امور، تدابیر و مؤسساتی که قادر به تقویت و توسعه شناخت طبقاتی زنان پرولتار بوده، در افزایش نیروی انقلابی و استعداد مبارزاتی شان مؤثر باشند.

۳. برابری کامل دو جنس در قانون و در پراتیک در تمام زمینه های زندگی شخصی و عمومی.

۴. استفاده آگاهانه، انقلابی از حق رأی فعال و غیرفعال در پارلمان کمونال و دولتی با تأکید ضرور بر ارزش محدود حق رأی، پارلمانتاریسم، دموکراسی بورژوائی برای پرولتاریا و تأکید بر ضرورت تاریخی مشخص غلبه پرولتاریا بر پارلمانتاریسم و دموکراسی بورژوائی به توسط شوراهای دیکتاتوری طبقه کارگر.

۵. شرکت هدفمند، فعال کارگران زن، کارمندان، زنان مستخدمه دولت، کلیه زنان شاغل در شهر و روستا در انتخابات شوراهای اقتصادی، سیاسی و انقلابی کارگری؛ شرکت فعال کارگران زن، کارمندان و زنان مستخدمه دولت به منزله منتخبان در این شوراهای کارگری و ارگان های شان؛ شرکت زنان خانه دار متعلق به پرولتاریا و قشر خُرده مالکان به منزله انتخاب کنندگان در شوراهای انقلابی کارگری و شرکت شان به منزله منتخبان در آن ها؛ ترویج و عملی ساختن اندیشه شوراهای بین زنان خُرده بورژوازی و قشر توده ای از حیث اجتماعی نزدیک به آن ها در روستاها.

۶. حق زنان برای بهره مندی از تحصیل عمومی و صنفی برابر، آزادانه، رایگان و شرکت شان به منزله شاغلان با حقوق و وظایف برابر با مرد در اقتصاد جامعه و در تمامی زمینه های دیگر؛ به رسمیت شناختن و ارج گذاردن به وظیفه مادری به مثابه یک خدمت اجتماعی.

۷. مزد برابر برای مرد و زن درازاء خدمت مشابه.

۸. تحدید کامل قدرت استثماری سرمایه داری با حمایت مؤثر، حقوقی از کارگران زن، کارمندان و زنان مستخدمه دولت - توأماً به اصطلاح خادمان -، زنان جوان، بارداران، زنان رو به زایمان و مادران شیرده در کلیه زمینه های اقتصاد.

۹. نظارت باشمول بر کارخانه ها توسط جمعی مکفی از پزشکان، تکنیسین های شاغل مستقل، که در آن زنان با نظر به روابط کار زن معرفی گردند.

۱۰. تدابیر و مؤسسات اجتماعی که بار زن خانه دار و مادر شاغل را سبک نمایند، کار سنتی، خانگی را از خانواده به اقتصاد جامعه منتقل سازند، تربیت اجتماعی کامل کودکان را ضمیمه

تربیت آن‌ها در خانه‌ها گردانند، از قابلیت ضرور برای تربیت آنها در جهت همبستگی برخوردار باشند.

۱۱. برقراری مؤسسات مشابه برای زنان کارگر کشاورزی، دهقانان و غیره نه تنها در شهرها و مراکز صنعتی، بلکه همچنین در روستاها.

۱۲. تنویر زنان درباره ماهیت عقب مانده کار خانگی قدیم و ضایع شدن وقت، نیروها و مسائل ناشی از آن‌ها؛ درباره سوء استفاده سرمایه داری از خانه داری به هدف پائین نگاه داشتن مزد مردان - با محاسبه کار رایگان زن خانه دار - و حفظ زن در عقب ماندگی معنوی و سیاسی با انفصالش از زندگی اجتماعی.

۱۳. رُفرم اساسی درزمینه مسکن به هدف حذف حق مالکیت بورژوائی بر مساکن مجلل و آپارتمان های مجلل. شرکت فعالانه زنان در عملی ساختن رُفرم.

۱۴. تنظیم باشمول و ارگانیک سازمان بهداشت عمومی به نحوی که در شهر و در روستا نیز مراکز بهداشتی رایگان دایر گردد و در آن‌ها همچنین پزشکان زن به کار مشغول باشند، و پرستاران کودک، پرستاران بیماران و پرستاران خانگی آموزش دیده حرفه‌ئی در خدمت عموم قرار گیرند.

۱۵. تدابیر اقتصادی و اجتماعی برای مبارزه علیه روسپیگری، تدابیر بهداشتی برای پیشگیری از شیوع امراض مقاربتی، حذف تبعیض اجتماعی درمورد روسپیان و حذف اخلاق دوگانه برای مرد و زن.

۱۶. شرکت زن در اجرای کلیه تدابیر و مؤسساتی که به شکل تعیین کننده مرتبط با حق زن بر تحصیل، اشتغال، حمایت از او در برابر استثمار سرمایه داری و غیره باشند.

پ: در کشورهای با تکامل سرمایه داری:

۱. زدودن توهمات، سنن، عادات مزمین و مقررات مذهبی و حقوقی که با تبدیل نمودن زن به برده خانگی، اسباب کار و تلذذ مرد توهین نسبت به زن هستند و این نه فقط به هدف تنویر زنان، همچنین به هدف تنویر مردان.

۲. برابری حقوقی کامل زن و مرد در آموزش، در خانواده و در زندگی عمومی.

۳. حمایت اساسی از زنان تهیدست و استثمار شده در برابر استثمار و سرکوب توسط طبقات حاکمه و خلع ید کننده، که به ویژه در صنعت خانگی مشهود است و صدمات و خیمش می تواند به وسیله اشکال گوناگون اشتراکیت کاهش یابد.

۴. تدابیر و مؤسساتی که از اشکال ماقبل سرمایه داری شان در اقتصاد و زندگی جامعه به کمونیستی تغییر بیابند و خصوصاً از طریق خدمات نمونه وار در تعلیم فکری نشانگر این واقعیات به زنان باشند که خانه داری فردی آنان را به بردگان تبدیل، در صورتی که کار اجتماعی آزادشان می سازد.

در کار آژیتاتوریک [تهئجی] و تشکیلاتی در میان زنان در کشورهای ماقبل سرمایه داری به ویژه استفاده از تجارب حاصله از انقلاب روسیه، کار رفقای روس، اعم از مردان و زنان، بین زنان مشرق، متمر ثمر است/ ادامه دارد